

چند تن از دوستان عزیز فایل یک مناظره در مورد وجود یا عدم وجود خدا را ما بین سازنده ی کلیپهایی به نام “زنوس” و شخصی دیگر در مخالفت با این کلیپها را برای من فرستاده و نظر مرا خواسته اند. فقط جهت احترام به این دوستان نیمی از این فایل طولانی دو ساعته را کامل و گوشه هایی از یک ساعت بقیه را شنیدم. اما نظرم در مورد همینها که شنیدم این است که مناظره ای بسیار ضعیف بود که هم طرفین بحث تجربه ای در بحث و گفتگو نداشتند و هم مجریانش تجربه و تسلطی بر مدیریت یک مناظره. و به نظر شخصی من اشکال اینگونه مناظره های سطحی و بی نتایج و بد دفاع کردن یکی یا هر دو طرف یک مناظره از نظر اتی که دارند و ممکن است درست هم باشند، این است که، افراد طرفدار علم به این توهم دچار میشوند که میتوانند در مورد یک مسئله ی فلسفی وارد استدلالهای علمی با طرفداران ایمانی خود شوند. و یا برعکس طرفداران یک فلسفه به این توهم دچار میشوند که با استدلال های فلسفی میتوانند در مقابل حقیقی بودن یک تجربه یا آزمایش دقیق علمی ایستادگی کنند. به دلایلی که در چند نوشته ی نسبتاً مفصل بیان کرده ام، موضوع بودن یا نبودن خالق برای جهان یک موضوع علمی، دست کم علمی که ما امروز می شناسیم، نیست. حتی در سطح دانش کوانتوم. شکی نیست که اظهار نظر در مورد مسائل و پدیده های مادی مربوط به این جهان که توسط هر باور و دین و مذهبی بیان شده باشد، حق مسلم علم خواهد بود. به عنوان مثال علم حق خواهد داشت در مورد خلقت ستارگان و سیارات و کهکشانها، پیدایش حیات و معجزات نسبت داده شده به پیشوایان و یا اهالی مذاهب مختلف نظرش را بیان کند و چنین مباحثی نیز مسلماً ارزش شنیدن را خواهند داشت. که البته بحثی است جدا، اما رایج که یکی از چالش های بزرگ بین طرفداران دیدگاههای علمی و فلسفی یا مذهبی نیز میباشد و منابع بسیاری نیز برای آگاهی از آنها وجود داشته و دارد که موضوع سخن ما نیستند. اما به دلایلی که بارها

گفته ام بحث در مورد وجود یا عدم وجود خالق به نام خدا برای این جهان و از آن غیر ممکن تر، بحث در مورد صفات و ویژگی ها و یا اهداف چنین خدایی از این خلقت ، مطلقا فاقد شرایط یک بحث علمی بوده و فقط میتواند در مباحث فلسفی بدان پرداخت و به میان آوردن مباحث علمی از فیزیک کوانتوم و خلاء کوانتومی ، نقض علیت ، قبل از مهبانگ ، و . . . به عنوان شاهد و دلیل ، بدون توجه به مفاهیمی که در فیزیک از آنها وجود دارد ، که درک این مفاهیم نیز تنها از عهده ی متخصصان این رشته و آن هم به زبان ریاضی ساخته است ، تنها موجب ایجاد توهمات نادرست از علم در ذهنهایی میشود که ممکن است آشنایی خوبی هم با این مفاهیم علمی نداشته باشند . بنابراین جمله ی زمان 10:13:1 این فایل که ایشان با قاطعیت وجود خدا را نفی کردند ، اگرچه در بحثی فلسفی میتواند بیان شود ، اما به نظر من و با شناختی که من از علم دارم ، صحبتی علمی آن هم با این درجه از قاطعیت نمیشود . **شخصا ز بیاترین وجه علم را بیان واژه ی "نمیدانم" میدانم ، تا بیان توجیحات فلسفی برای نتایجی که ما یلند** روزی علم هم بدانها برسد . که ممکن است برسد و یا نرسد . و یا در آن سو توجیحات علمی برای موضوعات فلسفی و توسط اهل فلسفه ، که علم ممکن است روزی به دلایلی که بارها در مورد آن صحبت کرده ام و از مشخصات مثبت علم است ، در نظراتش در مورد آنها تغییر ایجاد کند . بارها نوشته ام و در صفحه ی اول وبسایت من هم قرار داده ام که:

دانشمندی که در گفتار خود به موارد ایمانی اشاره میکند و یا مومنانی که در بیان باورهای خود به مستندات علمی اشاره میکنند ، هر دو علم یا ایمان خود را به خطر انداخته اند . این دو جهان کاملا از نظر ساختاری با یکدیگر تفاوت دارند . حتی اگر در یک موضوع مشخص به یک نتایج واحد نیز برسند

علم میتواند بیان کند که چیزی به نام ماده یا انرژی تاریک در جهان وجود دارد که نمیداند ماهیتش چیست و یا کجاست ، و این یک جمله ی غیر علمی هم نیست . زیرا آزمایش و اندازه گیری بر مبنای قوانین فیزیکی کشف شده تا کنون و یا محاسبات ریاضی وجود و تاثیر این ماده یا انرژی ناشناخته را به علم نشان میدهد ، اما تا رسیدن به فناوریهای لازم برای کشف ماهیت آنها باید منتظر ماند . اما علم

نمی‌تواند و نباید در مورد چیزی که نه آزمایش و نه محاسبات چیزی در مورد آن نشان نمیدهد ، اظهار نظر کند .

درست مانند اینکه من از شما بخواهم نظر علمی تان را در مورد چیزی که خودم هم نمیدانم چیست و کجاست و چرا ، ولی دوست دارم باشد و حس میکنم هست به من بگوید؟! حتی اگر بنا بر استدلال های فلسفی فرض را بر درست بودن احساس خود هم بگذاریم ، باز علم حق خواهد داشت مطابق چارچوب و قوانین خود رفتار و اظهار نظر کند

اما پذیرش اصل علیت که ذهن اغلب انسانها دست کم فعلا قادر به نادیده گرفتن آن نمیباشد ، استدلال میکند که هر معلولی باید علتی داشته باشد زیرا از یک طرف تا کنون بدون یک علت ، چیزی مشاهده نکرده است . و از طرف دیگر هم برای هر چه که روزگاری علتش را نمیدانسته یا تصویری نادرست از آن داشته است ، امروزه دلیل مشخص و قابل توضیحی یافته است ، بنابراین اصل علیت جزو ساختار ذهنی انسان شده است که بدون آن ذهن انسان دچار آشفتگی شدیدی شده و چه بسا از کار بیفتد و همانطور که در این مناظره هم به درستی بدان اشاره شد ، پیشرفتهای علمی بشر هم به دلیل همین رخ داده و میدهد که انسان در جستجوی علت پدیده ها بوده و هست . بنابراین مطابق اصل علیت ، باور گروه زیادی از انسانها این است که علتی با یاد عامل خلقت این جهان شده باشد که آن را خدا مینامد ، (البته در محدوده ی دنیای کوانتوم مسئله ی علیت دچار چالش شده است) حال این جهان را با مهبانگ خلق کرده یا هر روش دیگری ، بحثی است جدا ، پس ذهن انسانهایی که اصل علیت را قطعی میدانند و بدون اصل علیت گیج میشوند و یا به قول امروزی ها هنگ میکنند ، در گام اول خالق برای جهان ضروری میبینند . اما در گام دوم بر مبنای همین استدلال یعنی اصل علیت ، برای این خالق هم علت و خالق لازم میبینند و چون در ادامه ی این مسئله به تسلسلی گیج کننده تر و خطرناکتر و غیر قابل درک تر میرسند ، لذا با چرخشی 180 درجه و پا گذاشتن بر همان اصل علیت ، این تسلسل را میشکنند و آرامش را به ذهنشان برمیگردانند و به پذیرش خالق که خود خالق و علتی ندارد متوسل شده و معتقد میشوند ! . این خالق در نزد گروهی از انسانها که معمولا پیروان برخی از ادیان و مذاهب هستند "خدا" نامیده میشود .

اما گروهی دیگر از انسانها که به هر علت اعتقادی به باورهای مذهبی و چنین خدایی که این مذاهب میگویند ندارند و معمولا به طبیعت گرایان معروف هستند هم دقیقا به هم

این دلیل و برای نجات از این تسلسل که پس خود این طبیعت از کجا آمده؟ طبیعت را ازلی و ابدی و وجودش را بی نیاز از خالق دیگر میدانند و پرونده‌ی پرسش منجر به تسلسل را با همان استدلال خدا باوران، اما این بار با نام طبیعت، مختومه کرده و میبندند. چرا؟ چون همانطور که بیان شد در غیر این صورت فیوز ذهن این گروه انسانها از هر کدام از این دو گروه که باشند میسوزد! مگر آنکه بتوانند با واژه‌ی "**نمیدانم**" قانع و آرام شود. که تجربه نشان داده است که اغلب انسانها از این واژه خوششان نمی‌آید و از آن استفاده نمیکنند! بنابراین تمامی مباحث مربوط به این خالق، خدا یا طبیعت، برای هر دو گروه، دیگر بحثی فلسفی و یا مذهبی تلقی خواهد شد که پاسخش را فلاسفه با استدلالهای ذهنی، و یا برخی مذاهب با ادعای بیان توسط خود این خالق و با واسطه‌هایی از خود انسانها با نام پیامبر بیان میکنند.

اما از طرفی بر خلاف ذهن انسان، کامپیوترها یعنی موجوداتی که خود انسانها خلق کرده‌اند و بر مبنای ریاضیات صرف و قواعد تا کنون کشف شده فیزیک ساخته شده‌اند، درگیر اصل علیت و سوختن فیوز و نیز محدودیت امکانات و احتمالات نیستند، بنابراین اگر در آینده بر بشر مسلط نشده و او را به کناری نهند، که البته اگر بتوانند بهتر از بشر بشوند اتفاق بدی هم نخواهد بود، دست کم شاید بتوانند در حل اینگونه چالش‌های فلسفی ذهن انسانها نیز موثر واقع شوند. و تا آن زمان به نظر شخصی من بهتر است علاقمندان به دنیای علم در پاسخ به بسیاری پرسشهای هنوز مجهول در دنیای علم و به جای درگیر شدن در فلسفه و مغالطات آن، به استفاده از واژه‌ی زبانی "**نمیدانم**" اکتفا کنند و طرفداران فلسفه نیز به این واقعیت دنیای علم توجه کنند که علم تا کنون قدم به قدم بشر را از تصور بودن زمین بر سر شاخ گاو به نزد یک ده به توان منهای 30 یا 40 امتحانیه‌ی خلقت جهان و یا همان مهبانگ یا بگ بنگ برده است). یعنی زمان بس یار بس یار کمی تا لحظه‌ی صفر خلقت (اما از قبل از آن هنوز هیچ چیز نمیداند. بنابراین هرگونه سخنی از قبل از این لحظه سخن علم امروز نخواهد بود و تنها واژه‌ای که علم برای قبل از این زمان دارد واژه‌ی "**نمیدانم**" است. اما متأسفانه در بحث‌های بی‌فایده‌ای که این روزها زیاد ما بین طرفداران علم و طرفداران فلسفه‌های مختلف یا برخی مذاهب میشود، به هیچ یک از تعاریف دقیق علم از مفاهیمی بنیادی چون فضا، زمان، خلاء، نیرو، انرژی و... توجه نمیشود و هر کس مفاهیم این واژه‌ها و نیز دنباله‌ی داستان را به سلیقه‌ی خود توضیح داده و یا تفسیر میکند.

مظفر شریعتی

خرداد 1399

و با پوزش از اشکالات و اشتباهات تا یپی ویرایشی احتمالی به دلیل کمبود وقت و
عدم وجود فرصت بازخوانی و تصحیح و یا ویرایش .

www.shariaty.com

کانالهای یوتیوب و تلگرام افسانه‌ی هستی

[Youtube](#)

[Telegram](#)

[Twitter](#)

[Facebook](#)

Instagram

[بازگشت به صفحه اصلی](#)

